



دانشگاه فردوسی مشهد
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

نقد و بررسی رمان کلیدر

به راهنمایی استاد ارجمند
جناب آقای دکتر محمد جعفر یاحقی

استاد مشاور
جناب آقای دکتر محمد رضا راشد محصل

محسن بابایی باشریک

۱۳۷۳

۱۲۷۴۹۱۲

۲۵۷۶۹

فهرست مطالب

مقدمه	۳
بخش اول: رمان، رمان نویسی، کلیدر	۴ - ۴۵
فصل اول: نگاهی به جریانهای مهم رمان نویسی در ایران	۵
فصل دوم: کلیدر، رمانی حماسی	۱۹
بخش دوم: عناصر داستانی کلیدر	۴۶ - ۹۴
- درآمد	۴۷
- وحدت و انسجام	۴۸
- داستان	۵۲
- طرح	۵۶
- فنّ روایت (زاویه دید)	۵۹
- شخصیت پردازی	۶۳
- گفتگو	۸۷
- زمینه	۸۹
- سبک	۹۲
بخش سوم: زبان کلیدر	۹۵ - ۱۴۷
- درآمد	۹۶
- ویژگیهای عمومی (کلیات)	۹۹
- آراستگی	۱۱۱
۱- گونه گونی	۱۱۲
۲- خیال انگیزی	۱۲۲
۳- خوش آهنگی	۱۲۹
- کهن گرایی	۱۳۸
- لغزشها	۱۴۵
یادداشتها	۱۴۸
خلاصه رساله	۱۷۱
ضمیمه (۱) خلاصه کلیدر	۱۷۲
ضمیمه (۲) سالشمار زندگی و آثار محمود دولت آبادی	۱۸۵
فهرست منابع و مآخذ	۱۸۸

۲۵۷۹۹

مقدمه

«رشد چشمگیر رمان‌نویسی در دهه شصت» قولی است که جملگی منتقدان ادبیات داستانی برآند. این رشد تنها به کمیت عناوین و حجم رمانهای منتشر شده در دوره مذکور محدود نمی‌شود بلکه کیفیت آنها را نیز در برمی‌گیرد. پرداختن به علل مختلف این قضیه مجالی فراختر از مقدمه حاضر می‌طلبد. آنچه در این مختصر می‌توان گفت این که تحولات اجتماعی - سیاسی دهه شصت و دهه پیش از آن در تقویت این جریان سهم بسزا داشته است.

کلیدرمان ده جلدی محمود دولت‌آبادی از جمله رمانهایی است که در این دهه به اتمام رسیده و منتشر شده است. این اثر که نزدیک به پانزده سال صرف نوشتن آن شده، هم از جهت کمی در تاریخ رمان‌نویسی فارسی جایگاهی خاص دارد و هم به لحاظ کیفی از موقعیتی ممتاز برخوردار است.

هرچند سکوت در برابر کلیدرمدتی است شکسته و نقدهای پراکنده و بعضاً ارزشمندی درباره آن نوشته شده، هنوز جای شایسته این اثر در قلمرو رمان‌نویسی شناخته نیست و حرفهای بسیاری درباره آن ناگفته مانده است.

رساله حاضر به منظور بیان بخشی از این حرفها و نشان دادن هرچه بیشتر نقاط قوت و ضعف این اثر فراهم آمده. به دست دادن نقدی مستند، مدون و حتی الامکان همه جانبه - که با رعایت کامل «اخلاق نقد» نوشته شده باشد - نیز منتهای آرزوی نگارنده در تحریر آن بوده است.

در پایان لازم می‌دانم از استادان عزیز و ارجمند آقایان دکتر محمدجعفر یاحقی (استاد راهنما) و دکتر محمدرضا راشد محصل (استاد مشاور) که در جریان نوشتن این رساله از کمک و لطف بی‌دریغشان بهره‌مند شده‌ام سپاسگزاری کنم.

بخش اول

رمان، رمان نویسی، کلیدر

فصل اوّل

نگاهی به جریانهای مهمّ رمان نویسی در ایران

موضوع اصلی رساله حاضر چنانکه از عنوان آن نیز بر می آید نقد و بررسی یکی از رمانهای معاصر است. اما به جهت اهمّیتی که شناخت تاریخچه رمان نویسی فارسی، بویژه خطوط کلی آن، در تحلیل رمان مورد نظر دارد، در این فصل مقدماتی تلاش خواهد شد، آن بخش از محورهای اصلی این جریان که به کار بخشهای بعد می آید، باختصار معرفی گردد.

سخن را با ذکر برخی از تعریفهای ارائه شده درباره رمان آغاز می کنیم، چه تا حدّ و رسم تقریبی این مقوله مشخص نگردد، نمی توان درباره نمونه های آن حرفی به میان آورد.

یکی از نخستین تعریفهایی که در مورد رمان صورت گرفته متعلّق به مورگان فورستر (M.Forster) است. او در تعریف این نوع ادبی می گوید: «رمان عبارت است از هر اثر داستانی و منثور که بالغ بر پنجاه هزار کلمه باشد.»^۱ امروزه کمتر کسی است که با حوزه عملکرد و پهنه تفکر رمان آشنا باشد و این تعریف را در مورد آن بپذیرد؛ تعریفی که تنها تفاوت رمان را با داستان کوتاه در حجم آن می داند. اکنون می دانیم، رمان داستان کوتاهی نیست که بتفصیل نوشته شده باشد. همچنین با فشردن رمان نمی توان داستان کوتاه ساخت. طرح رمان به خلاف داستان کوتاه پیچیده، وسیع و اغلب متضمّن طرحهای فرعی است. رمان می تواند یک مضمون اصلی و یک یا چند مضمون فرعی داشته باشد. ممکن است گستره عمل داستان زمان درازی را در بر بگیرد. بعلاوه نویسنده می تواند منطقه، استان، کشور یا کشورهای را برای صحنه وقایع داستان خویش برگزیند و جزئیات امر را بتفصیل روی کاغذ بیاورد.^۲

تعریف ساموئل جانسون (S.Johnson) که در آن رمان حکایتی نرم و لطیف معرفی شده

نقد و بررسی رمان کلیدر / رمان، رمان‌نویسی، کلیدر ۶

که معمولاً از عشق سخن می‌گوید،^۳ نیز تنها ناظر به وجهی از وجوه مختلف این نوع ادبی است. آنالیتیشیا باربولد (A.L.Barbauld) نیز در این مورد تعریفی دارد که جامع به نظر نمی‌رسد. او می‌گوید: «رمان حماسه‌ای است که به نثر نوشته شده باشد.»^۲

والتر اسکات (W.Scott) تنها با اشاره‌ای کلی و مبهم به تفاوت میان رمان و قصه در تعریف رمان می‌نویسد: «روایتی است تخیلی، متفاوت با قصه که حوادث آن باسانی می‌تواند در زنجیره حوادث معمولی حیات انسان در فضای جامعه جدید قرار گیرد.»^۳ ضعف دیگر این تعریف همچون دو تعریف گذشته در عدم جامعیت آن است چراکه این حکم صرفاً شامل آن دسته از رمانها می‌شود که به وقایع اجتماعی پرداخته باشند. ژان هی تیه (J.Hitier) منتقد فرانسوی نیز ضمن اقرار به دشواری تعریف رمان، تعبیر مبهم و کلی «معنویات ادراک»، را در این مورد به کار می‌برد و می‌افزاید:

«ادراک وسیله علم و معرفت است. قلمرو عادی فعالیت آن در جهان علم است اما به کار هنر نیز می‌خورد. در این مورد کافی است که آن را از هدف عادی خود جدا کنیم و بی آن که روش فعالیتش را تغییر دهیم بگذاریم که آزادانه برای تشکیل تخیلات زیبا به کار افتد.»^۴

چنان که ملاحظه می‌شود این توضیحات اضافی نیز مشکلی از ابهام موجود در تعریف فوق را حل نمی‌کند.

و بالاخره تعریف گئورگ لوکاچ (G.Lucacs) منتقد معروف معاصر: «رمان سرگذشت جستجویی تباه است در جهانی که آن نیز در سطحی بسیار گسترده‌تر و به گونه‌ای متفاوت، تباه است.»^۵ این تعریف نیز به خلاف تعریف فورستر که شمول عام داشت و میزانی کمی برای تشخیص این قالب ارائه می‌کرد، تنها به نوعی خاص از انواع رمان نظر دارد که در آن روح یأس، انفعال و منفی‌گرایی حاکم است و اگر چه به کیفیت محتوای اثر توجه می‌کند، از جزم اندیشی و افراط هم به دور نیست. بی‌مناسبت نیست در این جا به تعریفی که برخی فرهنگهای معتبر از این مقوله به دست داده‌اند نیز اشاره شود:^۶

فرهنگ وبستر رمان را نثر روایتی خلأقه‌ای می‌داند که معمولاً طولانی و پیچیده است و

نقد و بررسی رمان کلیدر / رمان، رمان‌نویسی، کلیدر ۷

آمیزه‌ای است از تجربیات انسانی همراه با تخیل که با توالی حوادث بیان شده است و در آن گروهی از شخصیت‌ها در زمینه مشخصی دست دارند.

فرهنگ آکسفورد در تعریف این نوع ادبی می‌نویسد: نثر روایتی داستانی که نسبتاً طولانی است و در آن شخصیتها و اعمال که نماینده زندگی واقعی‌اند، با طرحی کما بیش پیچیده، تصویر شده‌اند.

فرهنگ اصطلاحات ادبی هاری شا با نظر به اهمیت عناصر رمان در تعریف آن می‌آورد: نثر روایتی داستانی نسبتاً طولانی - بیش از ۳۰ تا ۴۰ هزار کلمه - است که شخصیتها و حضورشان را در سازمان بندی مرتبی از وقایع و صحنه‌ها تصویر کند... هر رمان شرح و نقلی است از زندگی و متضمن عناصری چون کشمکش، شخصیت پردازی، عمل یا داستان، صحنه یا زمینه، پیرنگ و درونمایه.

تعریفهای دیگری هم از رمان در دست هست اما با ملاحظه آنها نیز نمی‌توان به تصور دقیق و فراگیری از رمان دست یافت. به نظر می‌رسد با آن که سالهای زیادی از عمر رمان و رمان‌نویسی گذشته، هنوز تعریف روشن و واحدی که مقبول نظر عموم اهل فن باشد در این زمینه ارائه نشده است. بنابراین باید به حدودی تقریبی در تعریف این مقوله اکتفا کرد: حدودی چون وسعت، پیچیدگی، خلق مجدد و تبیین زندگی، پرهیز از تفسیر و تحلیل که خاص مقاله و کارهای تحقیقی است، پای بندی به عناصر رمان و مواردی دیگر از این دست.

رمان نویسی به مفهوم غربی آن و با توجه به الگوی کلی‌ای که از تعریفهای مختلف این نوع ادبی به دست می‌آید، در ایران سابقه زیادی ندارد. رمان نیز همانند داستان کوتاه از رهگذر آشنایی ایرانیان با غرب به ادبیات فارسی راه یافت؛ هر چند سنت داستان سرایی و حکایت‌پردازی در زبان فارسی قدمتی هزارساله دارد. چنانچه مفهوم عام داستان را در نظر داشته باشیم باید به آثار منظوم و منثور با دیدی واحد بنگریم چه ادبیات داستانی در زبان فارسی پیش از نثر در شعر ظاهر شده است؛ شاهنامه فردوسی به لحاظ در برداشتن قصه‌های متعدد و مستقل یکی از غنی‌ترین آثار ادب فارسی است. منظومه‌های داستانی نظامی گنجوی نیز از این حیث اهمیت بسیار دارند. بر اینها آثاری چون منطق الطیر عطار و ویس و رامین

نقد و بررسی رمان کلیدر / رمان، رمان‌نویسی، کلیدر ۸

فخرالدین اسعد گرگانی را نیز باید افزود. این همه به جز حکایات کوتاه و بعضاً بلندی است که در متن آثار مختلفی مانند *مثنوی*، *حدیقه*، و *بوستان آمده* است.

در میان آثار منثور داستانی *اسکندرنامه* را که در قرن پنجم و به قلم نویسنده‌ای ناشناس نوشته شده، می‌توان قدیمی‌ترین اثر داستانی مکتوب و بازمانده از روزگار گذشته به شمار آورد. با این حال بهترین نمونه‌های نثر داستانی را باید در کتاب *سمک عیار جست*.

این داستان به بیان پهلوانیهای *سمک* و حوادث مربوط به مرزبان شاه فرخ می‌پردازد و پهنه وسیعی را که شامل ایران و ممالک نزدیک آن تا ارمن و حلب است، در برمی‌گیرد و در آن علاوه بر ذکر نامهای ایرانی فراوان، حوادث و وقایع مختلف، به بسیاری از آداب و رسوم نیز اشاره شده است.^۷ وجود این اشارات کتاب *سمک عیار* را از جهت مطالعات تاریخی و جامعه‌شناختی درخور توجه کرده است.

سندبادنامه نیز اثر داستانی و منثور دیگری است که در سده هفتم به رشته تحریر درآمده. و اگر چه اصل آن قدمتی بیشتر از *سمک عیار* دارد، به جهت نثر دشوارش مقبولیت عام پیدا نکرده است.

در سده‌های اخیر نیز داستانهای عامیانه‌ای چون *حسین کرد شبستری* و *امیر ارسلان نامدار* به نگارش درآمده‌اند که هر چند با اقبال اهل ادب روبرو نشده‌اند در میان توده مردم شهرت بسیار یافته‌اند.

چنان که ملاحظه می‌شود آثار داستانی نام برده شده آثاری مستقلند. بر اینها باید حکایات و قصه‌های پراکنده‌ای را که در لابلای کتابهایی چون *تاریخ بیهقی*، *قابوسنامه* و *گلستان آمده‌اند* نیز افزود. با آن که تأثیر سنت هزار ساله داستان سرایی فارسی بر نویسندگان ادبیات داستانی امروز قابل انکار نیست، باید اعتراف کرد که قالبهای «داستان کوتاه» و «رمان» در ادبیات فارسی قالبهایی نوظهورند و داستانهایی از قبیل آنچه نام بردیم علی‌رغم در برداشتن برخی از لوازم و عناصر داستانی به معنی امروز آن، نمی‌تواند عنوان رمان یا داستان کوتاه به خود بگیرد.

شرح این‌که چه عواملی سبب راه یافتن قالبهایی نظیر *نمایشنامه*، *رمان* و *داستان کوتاه* به

نقد و بررسی رمان کلیدر / رمان، رمان‌نویسی، کلیدر ۹

حوزه ادبیات فارسی شد از حوصله بحث حاضر بیرون است. آنچه عجاله می‌توان گفت این‌که روح بیداری عمومی ناشی از جنبش مشروطیت، اعزام دانشجویان به فرنگ و ورود مظاهر مختلف تمدن اروپا به این سرزمین از جمله صنعت چاپ و افزایش تعداد باسوادان در شکل‌گیری این امر نقشی تعیین‌کننده داشته است.^۸

پیچیدگی و ابهام موجود در تعریف رمان به عنوان یک نوع ادبی کار تعیین‌اولین رمان فارسی را نیز با دشواری بسیار توأم ساخته است؛ گروهی ترجمه فارسی ستارگان فریب خورده (حکایت یوسف شاه) را نخستین رمان فارسی می‌دانند.^۹ اصل این داستان به زبان ترکی و نویسنده آن، میرزا فتحعلی آخوندزاده است. ترجمه آن به زبان فارسی توسط میرزا جعفر قراجه‌داغی در سال ۱۲۵۲ صورت گرفت. ماجراهای این داستان که مضمونی تاریخی داشت در زمان شاه‌عباس صفوی رخ می‌دهد اما نویسنده از این قالب تاریخی برای ترسیم واقعیت‌های زمان خود به شیوه انتقادی بهره‌جسته است. متأسفانه این نکته مهم مورد توجه کسانی که بعدها رمان تاریخی نوشتند قرار نگرفت.^{۱۰}

گروهی نیز سیاحتنامه ابراهیم بیک را - که سفرنامه‌ای سیاسی و تمثیلی به حساب می‌آید - نخستین رمان ایرانی می‌دانند که به شیوه رمان‌های اروپایی زندگی مردم ایران را آنچنان‌که بوده تشریح کرده است.^{۱۱} اما با توجه به آنچه از مجموع تعریف‌های مطرح شده درباره رمان بر می‌آید هیچ‌یک از این دو اثر را نمی‌توان بطور قطع «رمان» خواند چه فاقد برخی از لوازم و هنجارهای اصلی این قالبند. به نظر می‌رسد تهران مخوف مشفق کاظمی که داستانی اجتماعی است به نوع فرنگی این قالب نزدیکتر باشد. لذا می‌توان این داستان را که در سال ۱۳۰۱ ه. ش به چاپ رسیده با وجود ضعف‌های بسیارش به عنوان اولین رمان فارسی معرفی کرد. رمان‌های اولیه عموماً رمان‌هایی تاریخی (Historical Novels) بودند. این نوع رمان نیز چون دیگر انواع داستان در ادبیات فارسی بی‌سابقه بود گواهی‌کننده پیش از آن افسانه‌ها و نقل‌های عامیانه‌ای چون ابومسلم‌نامه، رموز حمزه و حکایت‌های دیگری از این قبیل در میان مردم رواج داشت؛ بخش‌هایی از آثار تاریخی قدیمی مانند تاریخ بیهقی، بدایع الوقایع و دُرّه نادره نیز گهگاه شکل حکایت پردازی به خود می‌گرفت.^{۱۲}

نقد و بررسی رمان کلیدر / رمان، رمان‌نویسی، کلیدر ۱۰

علت تاریخی بودن این رمانها را باید پیش از هر چیز در ترجمه نخستین آثاری دانست که از زبانهای غربی صورت گرفت؛ غالب این آثار رمانهایی تاریخی بودند که به شرح حال رجال بزرگ تاریخ و حوادث زندگی آنها می‌پرداختند. از این میان آثار الکساندر دومای اول (پدر) و جرجی زیدان بیشتر مورد توجه مترجمان و خوانندگان قرار گرفت و به این طریق ذوق خاصی برای خواندن رمانهای تاریخی میان ایرانیان به وجود آمد و نویسندگان ایرانی کوشیدند تا درباره تاریخ کشور خود رمانهایی تاریخی تألیف کنند. سر مشق اکثر این نویسندگان آثار همان دو نویسنده یعنی دوما و زیدان بود.^{۱۳} در این بین رمانهای تاریخی دیگری نیز به فارسی ترجمه شد که از آن جمله می‌توان به رمانهای تلماک ترجمه میرزا عبدالغفار نجم الدوله، تاریخ امپراتور نیکلاس ترجمه مسیو ریشارخان، تاریخ مختصر ناپلئون بناپارت - جلد اول کتاب محاصره پاریس ترجمه رضا ریشار پسر مسیو ریشار و تاریخ ناپلئون ترجمه اعتضاد السلطنه وزیر علوم وقت و رئیس دارالفنون اشاره کرد.^{۱۴} سرخوردگیهای سیاسی ناشی از شکست مشروطیت، ناکام ماندن جنبشهای ضد استعماری میرزا کوچک خان جنگلی در شمال و شیخ محمد خیابانی در آذربایجان، همچنین فساد اداری و فقر اجتماعی روز افزون، می‌تواند از علل عمده این گذشته‌گرایی آرمان خواهانه به حساب آید. تداوم این روحیه یأس آمیز را تا بوف کور هدایت نیز می‌توان دنبال کرد.^{۱۵}

رمان تاریخی رمانی است که به نوسازی شخصیت، سلسله حوادث، نهضت، روح و حال و هوای یکی از اعصار گذشته می‌پردازد و برای خلق دوباره آنها دست به تحقیقی جدی و وسیع در وقایع گذشته می‌زند؛ البته باید توجه داشت که رمان تاریخی از اشخاص داستانی نیز استفاده می‌کند. از این رو حوادث و تحولات همواره رنگی از تخیل به خود می‌گیرد.^{۱۶} با این حال چشم‌انداز اصلی، واقعه‌ای تاریخی است که اساس رمان قرار گرفته است و پیرنگ داستان بر آن گذاشته می‌شود.^{۱۷}

نویسنده رمان تاریخی در حقیقت مورّخی است که از ذوق خلاق و تخیل آفرینشگر خود برای نقل آنچه در واقع امر گذشته، مدد می‌جوید. به همین جهت در انتخاب حوادث تاریخی مختلف و کنار هم گذاشتن آنها بر اساس آنچه «منطق رمان» خوانده می‌شود، کاملاً آزاد است و

در این میان از وارد کردن شخصیت‌های غیرتاریخی نیز در حوزه رمان پروایی ندارد. بنابراین نمی‌توان نویسنده این نوع رمان را به خاطر دست بردن در پاره‌ای حوادث تاریخی و پرهیز از نقل گزارش گونه وقایع، بدون توجه به اختلاف زمینه کار او با مورخ موأخذه کرد.

اگر از ستارگان فریب خورده که مضمونی تاریخی دارد صرف نظر کنیم، شمس و طغرا اولین رمان تاریخی فارسی خواهد بود. این رمان در سال ۱۳۰۳ ه. ش به قلم محمد باقر میرزای خسروی به رشته تحریر در آمد. چنان که پیش از این گفته شد نخستین رمان فارسی مضمونی اجتماعی داشت اما غالب رمان‌های اولیه از ترکیبی تاریخی برخوردار بودند به طوری که می‌توان مدعی شد رمان نویسی در ایران با نوشتن رمان‌های تاریخی شکل گرفت؛ به عنوان مثال تا حدود دهه بیست قرن حاضر چندین رمان تاریخی به رشته تحریر درآمد که از آن جمله رمان‌های کورش کبیر نوشته شیخ موسی کیودرآهنگی، آشیانه عقاب اثر زین العابدین مؤتمن، دام‌گستران یا انتقام خواهان مزدک از صنعتی زاده کرمانی،^{۱۸} ده نفر نفر قزلباش نوشته حسین مسرور، رابعه اثر حسینقلی مستعان و پیک اجل و دلشاد خاتون از مدرسی شهرت بیشتری کسب کردند.

به اعتقاد بسیاری بهترین رمان تاریخی فارسی ده نفر قزلباش حسین مسرور است. که در حدود سال ۱۳۲۷ ه. ش به صورت پاورقی در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید. امتیاز این کتاب اشراف دقیق نویسنده بر چند و چون فضا و زندگی اجتماعی زمان اثر و مطالعه وسیع او در مورد سرچشمه‌های داستان است.^{۱۹}

اگر چه مهمترین هدف رمان تاریخی واقع‌گرا، بازسازی صادقانه و درونی یک دوره تاریخی است رمان‌های تاریخی ایرانی بر محور بزرگنمایی اغراق آمیز یک شخصیت تاریخی نوشته شده‌اند بی آن که این شخصیت را در ارتباط با خاستگاه اجتماعی و شرایط تاریخی پیدایش او و نیز مسیر تکاملی جامعه مورد بررسی قرار دهند. نویسنده رمان تاریخی به یادآوری «گذشته» دل خوش می‌کند. او که زمان حال را با همه بحران‌های اجتماعی اش بی عظمت و خالی از معنی می‌پندارد از ستایش عظمت‌های تاریخی لذت می‌برد. اگر واقع‌گرایی و طنز دو خصوصیت اصلی ادبیات مشروطه است، رمان تاریخی با رمانتیسیم منفی و وطن پرستی افراطی و نژاد پرستانه مشخص می‌شود. نفرت از اعراب نیز در همین راستا شکل می‌گیرد.^{۲۰}

نقد و بررسی رمان کلیدر / رمان، رمان‌نویسی، کلیدر ۱۲

در سالهای پس از دهه بیست که گروه‌های اجتماعی وابسته به بیگانگان قدرت خود را تحکیم بخشیدند و سرمایه داری ملی به اهمیتی نسبی دست یافت ضرورت وجودی رمان تاریخی از میان رفت^{۲۱} نیمایوشیچ چند سال پیشتر از این زمان، یعنی در سال ۱۳۱۲، به از میان رفتن تدریجی رمان تاریخی اشاره کرد بود:

امروزه دیگر رمان تاریخی رو به انحطاط و زوال رفته است. این بحران و تحوّل ادبی بی علت نیست. مهمترین علت آن شکل مناسبات اجتماعی است که تغییر می‌کند و به تبع آن فکر و روحیات مردم؛ نویسنده هم که جزو مردم است خواه ناخواه تحت تأثیر این تحولات قرار گرفته تغییر می‌کند.^{۲۲}

به هر حال با پایان یافتن فعالیت‌های قلم، مسرور، مستعان و مدرّسی رمان تاریخی فارسی نیز رو به افول گذاشت.^{۲۳}

گرایش عمده دیگری که در رمان نویسی فارسی به وجود آمد نوشتن رمانهای اجتماعی (Sociological Novels) بود. این نوع، بنا به تعریف، رمانی است که بر تأثیرات عمیق شرایط اجتماعی - اقتصادی بر روی اشخاص و حوادث تکیه کرده، اغلب تلویحاً و گاه بتصریح نوعی از اصلاحات اجتماعی را توصیه می‌نماید.^{۲۴} انقلاب صنعتی غرب با تأکیدی که بر توان طبقه کارگر داشت علت اساسی تکوین و رشد این نوع رمان شمرده می‌شود. به همین جهت پرداختن به قضایا و مسائلی که بیشتر بر شرایط محیطی و فرهنگی کارگران و خانواده‌های آنها تمرکز می‌یابد از جمله مضامین عمده و رایج رمانهای اجتماعی محسوب می‌گردد.^{۲۵} در نتیجه این توجه بود که کتابهایی چون روزگار سخت اثر چارلز دیکنز، بیست اثر چارلز کینگزلی و مری بارتین اثر الیزابت کاسکل به رشته تحریر درآمد.^{۲۶}

رمان اجتماعی فارسی را باید در دو گروه مورد بررسی قرار داد: در یک گروه رمانهای اجتماعی اولیه قرار می‌گیرند که با دریافتی احساساتی از قضایا به توصیف وضعیت کارمندان و زنان طبقه متوسط جامعه در فضایی آکنده از فقر و فحشا می‌پردازد.^{۲۷} تهران مخوف اثر مشفق کاظمی، اولین رمان ایرانی، از این جمله است. در این رمان گاه به گاه محرومیت و عقب ماندگی زنان با احتیاط به عوامل سیاسی پیوند زده می‌شود.^{۲۸} با این حال عدم پیوستگی موضوعی، نقل

نقد و بررسی رمان کلیدر / رمان، رمان‌نویسی، کلیدر ۱۳

روایتهای فرعی که با اصل داستان هماهنگی ندارد همراه با شخصیت‌پردازی ضعیف و نثر سُست و ابتدایی از ضعفهای عمده این رمان و دیگر آثار مشابه آن است.^{۲۹} در این گروه که یأس اجتماعی و ناتورالیسم حاکمیت مطلق دارد از رمانهای دیگری چون شهرناز نوشته یحیی دولت‌آبادی، زیبا اثر محمد حجازی و فرنگیس از سعید نفیسی نیز می‌توان نام برد.

هیچ یک از این نویسندگان جز مشفق کاظمی که آغازگر بود موضوع رمانهایشان را خود «انتخاب» نکردند و بالطبع کارشان در قلمرو رمان‌نویسی به تحوّل متجر نشد. این رمان‌نویسان که می‌توان آنها را «نوعدوستان احساساتی» نامید تحت تأثیر ویکتور هوگو و دیگر نویسندگان رمانتیک غرب کوشیدند ارزش انسانی زنان بدکاره را در قالب دنیای اشرافیت به آنها باز گردانند.^{۳۰}

رمان اجتماعی اولیه از دو جهت قابل توجه است: اول، طرح مسأله آزادی زنان و دوم نشان دادن فساد و زوال زودرس قشرهای بالای طبقه متوسط که بشدت مورد احترام نویسنده‌اند.^{۳۰}

رمان اجتماعی اولیه در پی شکستی زودرس، در نیمه اول حکومت رضاشاه از رونق افتاد هر چند تا سالها بعد بی آن که حاصلی خلاقه و ارزشمند به بار آورد همچنان به زندگی خود ادامه داد. علت عمده این شکست زودرس را باید در دور بودن رمانهای اجتماعی این دوره از واقعیتهای زندگی جستجو کرد. این رمانهای پر حجم که بیش از توجه به واقعیتهای احساسات و هیجانات می‌پرداختند، در واقع ادبیات دوران گذار بودند؛ یعنی ریشه در داستانهای عامیانه فارسی داشتند و روبرو به رمان اروپایی اما چون نویسندگان این گونه ادبی نتوانستند تصویری دقیق و واقع‌نما از زمانه خود به دست دهند، از همگامی با نویسندگان داستان کوتاه که با فنون داستان‌نویسی غربی آشنایی بیشتری داشتند و مسائل محتملتری را در داستانهای خود مطرح می‌کردند بازماندند. البته کمبود خواننده و دشواریهای چاپ و نشر و افزایش ترجمه از زبانهای خارجی نیز در شکست رمانهای اجتماعی اولیه مؤثر بود.^{۳۱}

گروه دیگر به رمانهایی اختصاص دارد که نویسندگانشان با تأمل و هوشیاری کافی به ریشه‌یابی عوارض سوء اجتماعی پرداخته آنها را با بیانی هنرمندانه در آثار خود باز می‌نمایانند.

رنالیسم به عنوان گرایش عمده رمان‌نویسان این گروه، آنان را واداشته است تا به توصیف و نقل سطحی شخصیتها و حوادث اکتفا نکنند بلکه در هر مورد علل این عوارض را بکاوند و پیوند عمیق و ناپیدای میان رویدادها را به خواننده نشان دهند. سووشون یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های این گروه است. شوهر آهو خانم، همسایه‌ها و داستان جاوید نیز از رمانهایی هستند که در گروه دوم قرار می‌گیرند. در پایان ذکر این نکته ضروری است که رمان اجتماعی ایران از تهران مخوف تا سووشون رشد چشمگیر داشته و در هر گام به کمال خود نزدیکتر شده است. یکی از نکات گفتنی و قابل توجه درباره رمانهای تاریخی و اجتماعی این است که هر چند این دو نوع رمان از آنچه به عنوان واقعیت می‌شناسیم فاصله زیادی نمی‌گیرند، این قابلیت و توان را دارند که براحتمی یک وضعیت تاریخی و اجتماعی را به اسطوره تبدیل کنند.^{۳۲} به عبارت دیگر آنچه را که ثمره دریافت خود آگاه انسان از گذشته است به مرز دریافت ناخودآگاه او بکشانند تا در فضای میان این دو به مفهوم «حماسه» دست یابد؛ چه حماسه از سویی با تاریخ همسایه است و از دیگر سو با اسطوره؛ هم تاریخ است و هم اسطوره و در عین حال هیچ کدام از آن دو هم نیست.^{۳۳}

نوشتن رمان تاریخی و اجتماعی هر چند عمده‌ترین گرایشهای رمان‌نویسی در ادبیات فارسی به شمار می‌رود، جریانهای دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که گاه اهمیتی چشمگیر یافته است. از جمله این جریانها می‌توان به رمان ناحیه‌ای یا اقلیمی (Regional Novel) اشاره کرد. رمان ناحیه‌ای اثری است که به شرایط و ویژگیهای جغرافیایی و منطقه‌ای وفادار بماند و به محیط و قلمرو خاصی اختصاص یابد. در این گونه رمان مردمانی که در یک قلمرو یا ناحیه زندگی می‌کنند وجهه همّت قرار می‌گیرند. صحنه داستان احتمالاً منطقه، شهرک یا روستایی خاص است. نویسنده می‌کوشد بدرستی و با دقت آداب و سنن و باورها و اعتقادات و فرهنگ توده و تاریخ این منطقه را نشان دهد.^{۳۴}

هر چند گروهی از منتقدان رمان ناحیه‌ای و رمان روستایی را نوع واحدی به حساب آورده و نمونه‌های این دو نوع را هم در یک ردیف قرار داده‌اند،^{۳۴} به نظر می‌رسد که باید رمان ناحیه‌ای را اعم از رمان روستایی دانست. به عبارت منطقی‌تر میان این دو رابطه «عموم و

نقد و بررسی رمان کلیدر / رمان، رمان‌نویسی، کلیدر ۱۵

خصوص من وجه» وجود دارد؛ یعنی هر رمان روستایی رمان ناحیه‌ای هست ولی هر رمان ناحیه‌ای رمان روستایی نیست. مثلاً رمان تنگسیر صادق چوبک با آن که رمانی ناحیه‌ای است در محدوده رمان روستایی قرار نمی‌گیرد. در مقابل رمان جای خالی سلوچ از محمود دولت‌آبادی در وهله اول رمانی روستایی و پس از آن رمانی محلی یا ناحیه‌ای است.

نویسنده‌های رمان ناحیه‌ای غالباً پرورده محیط روستا هستند. از این رو با نوع معیشت، آداب و سنن و ظرایف و دقایق فکری و عاطفی مردم این نواحی آشنایی کامل دارند. امیلی برونته از این دسته نویسندگان است. توفیق او در نوشتن بلندبهای بادخیز (بادگیر) بیش از هر چیز مدیون پرورش در محیط روستاست.^{۳۵} یاشار کمال هم یکی دیگر از نویسندگانی است که مدت قابل ملاحظه‌ای از عمر خود را در روستا به سر برده^{۳۶} و به همین دلیل در نوشتن این نوع رمان موفقیت چشمگیر یافته است. اینجکه ممد، رمان مشهور او از این نظر قابل توجه است.

در ایران تحولات اجتماعی - فرهنگی دهه چهل بویژه اصلاحات ارضی و طرح مسأله غربزدگی نویسندگان را واداشت تا با دید تازه‌ای به مسایل زندگی روستایی بنگرند. البته این گرایش همچون هر جریان ادبی دیگر ریشه در گذشته داشت. صحبت از الغای مالکیت خصوصی و تقسیم زمین میان دهقانان در آستانه انقلاب مشروطیت به میان آمد اما همان طور که جنبش مشروطه نتوانست در میان دهقانان نفوذ کند در ادبیات مشروطه نیز به مسأله زمین توجهی نشد.^{۳۷}

احمد محمود، امین فقیری و محمود دولت‌آبادی هر سه از شهرستانهای ایران برخاسته و هر سه هم به مسایل روستایی و زندگی دهقانی پرداخته اند. از این میان آثار محمود بیشتر صورت اقلیمی و ناحیه‌ای دارد تا روستایی و دهقانی. فقیری نیز تنها با دهکده پرملال در شمار رمان نویسان روستایی قرار می‌گیرد. تنها دولت‌آبادی است که به زعم گروهی آثار داستانی او چه آنها که به صورت داستان کوتاه نوشته شده‌اند و چه آنها که عنوان «رمان» به خود می‌گیرند، همه به این حوزه تعلق دارند.^{۳۸} از این جهت محمود دولت‌آبادی برجسته‌ترین چهره ادبیات روستایی ایران به حساب می‌آید.

رمان سیاسی (Political Novel) نیز از جمله رمانهایی است که نگاه به تاریخچه آن و